

Analysis of the Impact of Israeli Narratives on the Jurisprudential Opinions of Commentators by the End of the 5th Century

Mohammad Ali Mahdavi Rad¹

Jalil Parvin²

Roya Arab Alidousti^{3*}

Abstract

the influence of the Israeli narratives (in a special meaning) that the main source of which were the Jewish religious text and the narratives from the new Muslim of Ahl-Alketab, is certain. This research is a descriptive-analytical and critical method to study the effect of these narrations on the jurisprudential opinions of the commentators. The blind faith of some Muslims in these narratives, their frequent quotes, and their writing in narrative books defeated wisdom. The most commentators have accepted the narratives against the teachings of the Quran. The consequence of this phenomenon is the issuance of jurisprudence rulings based on these narratives. What influenced the Islamic narratives from the contents of the Genesis and influenced the opinions of commentators in the field of jurisprudence is evident in the field of women's jurisprudence. Believing to: the women are silly, appointment of guardian for their finance, not punishing men for beating and injuring his wife and ... are examples of that.

Keywords

Israeli Narratives, Genesis, Creation of Eve, Women's Jurisprudential Sentences.

Citation: Mahdavi Rad, M., Parvin, J., Arab Alidousti, R (2021) Analysis of the Impact of Israeli Narratives on the Jurisprudential Opinions of Commentators by the End of the 5th Century. Bi-quarterly Scientific Journal of Studies on Understanding Hadith. Vol. 7, No. 2 (Serial. 14), pp.119-139. (In Persian)

1. Associated Professor of Department of Quran and Hadith, Farabi Campus of University of Tehran. Email: Mahdavidrad@ut.ac

2. Assistant Professor of Quran and Hadith University. Email: Parvin.J@qhu.ac.ir

3. Responsible Author, Ph.D Student of Quran and Hadith, Farabi Campus of University of Tehran. Email: Royaalidousti@gmail.com

Received on: 24/05/2019

Accepted on: 18/01/2021

تحلیل تأثیر روایات اسرائیلی بر آراء فقهی مفسران تا پایان قرن ۵ (با تأکید بر خلقت حواء در سفر پیدایش)

محمدعلی مهدوی‌راد^۱

جلیل پروین^۲

رویا عرب‌علیدوستی^{۳*}

چکیده

نفوذ روایات اسرائیلی (به معنای اخص) که اصلی‌ترین منبع آن‌ها متون دینی یهود و نقل‌های اهل کتابِ نومسلمان بود، به منابع روایی و تفسیری مسلمانان، امری مسلم است. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و انتقادی به بررسی تأثیر این روایات بر آراء فقهی مفسران پرداخته است. اعتماد کورکورانه برخی از مسلمانان به این روایات، نقل مکرر و کتابت آن‌ها در کتب روایی باعث گردید کثرت نقل بر عقل سیطره یافته، روایات مخالف با آموزه‌های قرآن کریم، مقبول اکثر مفسران و عالمان افتد. پیامد این پدیده، صدور احکامی فقهی بر پایه‌ی آموزه‌های اسرائیلی بود. آنچه از محتویات سفر پیدایش به روایات اسلامی نفوذ یافت و بر آراء مفسران در حوزه فقه اثر گذاشت، در عرصه احکام زنان کاملاً مشهود است. باور اُسفه السفهاء بودن زنان و وجوب نصب قیم برای آن‌ها در امور مالیشان، قصاص نشدن مرد برای ضرب و جرح همسرش و ... احکامی از این دست هستند.

کلیدواژه‌ها

روایات اسرائیلی، سفر پیدایش، خلقت حواء، احکام زنان.

استناد: مهدوی‌راد، محمدعلی؛ پروین، جلیل؛ عرب‌علیدوستی، رویا (۱۴۰۰). تحلیل تأثیر روایات اسرائیلی بر آراء فقهی مفسران تا پایان قرن ۵ (با تأکید بر خلقت حواء در سفر پیدایش)، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، ۷ (۲)، پیاپی ۱۴، صص ۱۱۹-۱۳۹.

۱. دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی. Mahdavarad@ut.ac

۲. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث. Parvin.J@qhu.ac.ir

۳. دکتری دانشگاه قرآن و حدیث (پردیس تهران) (نویسنده مسئول). Royaalidousti@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

۱. طرح مسأله

نفوذ اسرائیلیات به روایات مسلمانان از عوامل متعددی مانند: منع کتابت حدیث، نشر قصه‌های اسرائیلی توسط قصاص، جریانات سیاسی حاکم و ... نشأت گرفت (مهدوی‌راد، ۱۴۳۱ق، ۱۹۷، ابوریة، ۱۴۲۵ق، ۱۲۱-۱۵۰). اگرچه تسری اسرائیلیات به روایات اسلامی عمدتاً در منابع اهل سنت شکل گرفت اما به منابع شیعی نیز راه یافت. این پدیده سؤالات مهمی را برانگیخت که مهمترین آن در حوزه پژوهش حاضر، این است: اسرائیلیات خلاف آموزه‌های اسلامی چه تأثیری بر آراء مفسران به ویژه در حوزه مسائل فقهی داشته است؟

تحقیق در این عرصه، نگارش کتاب‌هایی مانند «الاسرائیلیات فی تفسیر قرطبی» اثر محمد وهیب علام و «الاسرائیلیات فی تفسیر طبری» از محمد عبدالرحمن ربیع را در پی داشت که به بررسی اسرائیلیات در تفاسیری خاص پرداخته‌اند. هم‌چنین، «الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث» ذهبی، «الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر» ابوشهبه و «موسوعة الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر» محمد احمد عیسی، پژوهش‌هایی هستند که به صورت عام به ارزیابی این پدیده در کتب تفسیری پرداخته‌اند. این تحقیق گامی فراتر نهاده و به تأثیر اسرائیلیات بر آراء مفسرین در حوزه احکام زنان متمرکز می‌شود.

۲. اسرائیلیات

اصطلاح اسرائیلیات در سه معنای اعم، عام و خاص به کار رفته است. اسرائیلیات به معنی خاص؛ به قصه‌ها، روایات و حکایاتی گفته می‌شود که از منابع و متون یهودی به منابع دینی ما وارد شده‌اند. در تعریف اسرائیلیات به معنی عام؛ هر داستانی که از منابع ادیان دیگر وارد دین اسلام گردیده تحت این عنوان جای می‌گیرد. اسرائیلیات به معنی اعم و اوسع؛ شامل همه مجعولاتی است که با هدف تخریب اسلام به وسیله مخالفین، وارد منابع اسلامی شده است (مدبر، ۱۳۹۴ش، ۲۸، ابوشهبه، ۱۹۹۲م، ۱۴، هم‌چنین ر.ک؛ ذهبی، ۱۹۹۰م، ۱۳).

شایان ذکر است: یک، در پژوهش حاضر معنای خاص این اصطلاح مطمح نظر است. دو، تمامی نقل‌های اسرائیلی نادرست نیستند. اسرائیلیات گاهی موافق آموزه‌های اسلام و قابل قبول، در مواردی مخالف آموزه‌های اسلام و مردود و در پاره‌ای موارد مسکوت‌عنه هستند زیرا نه مخالف احکام و عقاید اسلامی و نه موافق با آن‌ها هستند (مدبر، ۱۳۹۴ش، ۴۳). سه، از نظر موضوعی، اسرائیلیات در سه حوزه عقاید، احکام و

حوادث تاریخی وارد شده‌اند (همان، ۴۶) که رمزی نعناعه تأثیر آن‌ها را در زمینه‌های مختلف برشمرده است (نعناعه، ۱۳۹۰ش، ۱۱۳). مورخین، قصاص، وعاظ، زهاد، مفسران و خطباء هر یک سهمی در اشاعه اسرائیلیات بین مسلمین داشته‌اند (حمودی، ۱۴۳۶ق، ۸۴-۹۹).

۳. خلقت حواء

خلقت حواء داستانی مشترک در ادیان ابراهیمی است.

۳-۱. مقایسه خلقت حواء در قرآن و سفر پیدایش

قرآن کریم: «... شما را از نفس واحدی و از همان نفس واحد همتایش را خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکند...» (النساء: ۱)، «او کسی است که خلق کرد شما را از نفس واحدی و قرار داد از آن زوجش را تا به او آرام گیرد...» (الاعراف: ۱۸۹).
سفر پیدایش: «و خدا آدم را به صورت خود آفرید ایشان را از نر و ماده آفرید» (۲۷: ۱)، «خداوند بر آدم خوابی سنگین حاکم کرد و سپس دنده‌ای از دنده‌های او را گرفته و جایش را با گوشت پر کرد. زنی از استخوانی که از آدم گرفته بود خلق کرد و نزد آدم آورد. آدم گفت همانا این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم. این زن نامیده می‌شود چون که از مرد برداشته شده است» (۲: ۲۳-۲۱).

۳-۱-۱. تفسیر پاسوک‌های خلقت حواء در سفر پیدایش

با توجه به معانی کلمه **لآلآه** (عِتْصِم) در زبان عبری، دو ترجمه برای پاسوک ۲۳ متصور است:
الف- اگر **لآلآه** به معنی استخوان، ماهیت، ذات و خود، باشد (حییم، ۱۳۴۴ش، ۴۰۴، مشکور، ۱۳۵۷ش، ۲: ۵۷۲)، ترجمه چنین خواهد بود: و آدم گفت همانا این ذات من (ازخود من) است.

ب- اگر به معنی ریشه، پهلو، دنده باشد (همان، ۲: ۵۱۰)، ترجمه چنین خواهد بود: آدم و حواء به هم چسبیده بودند (از یک ریشه بودند) پس آدم او را جزیی از خودش دانست. اگرچه برخلاف آراء مفسران تورات، ظاهراً اعتقاد اکثر یهودیان براساس آیه‌ای از سفر پیدایش، براین است که حواء جزئی از وجود آدم (ع) است، اما اول آن‌که؛ جمله «استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم» در تورات کنایه از هم‌خونی و ریشه مشترک نیز هست زیرا در آیه‌ای دیگر لابان به یعقوب همین جمله را می‌گوید:

پیدایش، ۲۹: ۱۴: «... و لا بان به او گفت تو از ذات، استخوان و گوشت من هستی...».

پیدایش، ۲: ۲۳: «... و آدم گفت این استخوانی از استخوان‌هایم (از ذات و وجود خودم) و گوشتی از گوشتم است...».

دوم آن‌که؛ در سفر پیدایش دو پاسوک برای شروع خلقت آدم و حواء وجود دارد یکی آن‌جا که از زن و مرد، هر دو در یک زمان نام می‌برد (۱: ۲۷)، و نوع انسان را با یک خلقت معرفی می‌کند و دوم آن‌جا که اشاره به خلقت حواء از دنده آدم دارد. مفسرین تورات از ترکیب این دو آیه نتیجه گرفته‌اند که منظور حقیقی، گرفتن استخوان نبوده است بلکه گفتار استعاری است. آن‌ها با برقراری ارتباط بین پاسوک‌های ۱: ۲۷ و ۲: ۲۱ و ۲۲ معتقدند، از ابتدا خداوند بشر را به دو صورت مذکر و مؤنث آفرید (۱: ۲۷) و سپس آن‌ها را از یکدیگر جدا کرد (۲: ۲۱-۲۲). آنچه در ۲: ۲۲ و ۲: ۲۱ آمده است توضیح اجمالی این نکته است که خداوند آن دو صورت را از هم جدا کرد و دنده و هر جزء دیگری را که لازم بود بین آن دو تقسیم کرد. سپس آدم دریافت که حواء او از یک ریشه‌اند (ییسحاقی، ۲/۱۰/۹۷، <https://www.chabad.org>).

۳-۱-۲. تفسیر آیات خلقت حواء در قرآن کریم

در کتب تفسیری مسلمانان (تا پایان قرن ۵) از روایاتی برای تفسیر آیه کریمه استفاده شده است که مؤید جزئیت زن از مرد در خلقت هستند. اندک مفسرانی «من» در سوره النساء: ۱ را بیان جنس شمرده و تفسیری مطابق با آموزه‌های قرآنی ارائه داده‌اند. دسته دیگری از مفسران به تفسیر این قسمت از آیه نپرداخته‌اند. روایات یاد شده در دو گروه جای می‌گیرند:

الف- خلقت حواء از پایینترین دنده آدم است (قمی، ۱۴۲۸ق، ۱۲۴، عیاشی، بی‌تا، ۱: ۲۱۵). دنده الایسر و ضلع الاعوج بودن زن نیز در روایاتی دیگر افزوده شده است (ضحاک، ۱۹۹۹م، ۱: ۲۷۱، ماوردی، ۲۰۰۷م، ۱: ۴۴۶، بخاری، ۱۴۲۲ق، ۷: ۲۶ و ۱: ۶۸، مسلم، بی‌تا، ۲: ۱۰۹۱ و ۱: ۸۶). اکثر مفسرین معتقدند «مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»، خلقت حواء را از دنده آدم تایید می‌کند (فیروزآبادی (ابن عباس (ت ۶۸ق))، ۲۰۰۲م، ۷۷ و ۱۷۵، مجاهدبن جبر (ت ۱۰۴ق)، ۱۹۸۹م، ۲۶۵، مقاتل (ت ۱۵ق)، ۱۴۲۴ق، ۱: ۲۱۳، ابن وهب (ت ۳۰۸ق)، ۱۴۲۴ق، ۱: ۱۴۰، طبری (ت ۳۱۰ق)، ۱۴۲۲ق، ۱: ۲۶۳، ابن منذر (ت ۳۱۸ق)، ۲۰۰۲م، ۲: ۵۴۷، رمانی (ت ۳۸۴ق)، ۲۰۰۹م، ۲۷، ابن ابی‌زمینین (ت ۳۹۹ق)، ۲۰۰۳م،

۱: ۱۴۳، قاضی عبدالجبار (ت ۴۱۵ق)، ۲۰۰۹م، ۱۴۴، ثعلبی (ت ۴۲۷ق)، ۲۰۰۲م، ۱: ۱۸۱، قیسی قرطبی (ت ۴۳۷ق)، ۲۰۱۱م، ۲: ۱۵۷، ماوردی (ت ۴۵۰ق)، ۲۰۰۷م، ۱: ۴۴۶، واحدی نیشابوری (ت ۴۶۸ق)، ۱۴۱۵ق، ۲: ۴، جرجانی (ت ۴۷۱ق)، ۲۰۰۹م، ۱: ۴۶۱، سمعانی (ت ۴۸۹ق)، ۲۰۱۰م، ۱: ۳۰۱ و...). طبری چندین روایت ذیل النساء: ۱ در اثبات این نظر آورده است (طبری، ۱۴۲۲، ۶: ۳۴۱).

ب- روایتی نیز خلقت حواء را از اضافه گل آدم بیان می‌کند.

محتوای این روایت که به امام صادق (ع) منسوب است از فراهم کردن گلی به دو دست خداوند که هر دو راست است و خلقت حواء از اضافه گل آدم سخن می‌گوید (عیاشی، بی تا، ۱: ۲۱۶). ابن حجام (زنده در ۳۲۸ق) و شیخ طوسی با ذکر روایتی از ابوجعفر (ع) مؤید همین نظرند (ابن حجام، ۲۰۱۶م، ۴۳، طوسی، التبیان، ۳: ۱۰۰). ج- برخی مفسران ظاهراً با توجه به آیات کریمه دیگر «مِن» در «مِن أَنْفُسِكُمْ» (النساء: ۱) را بیان جنس شمرده‌اند (أصم، ۲۰۰۷م، ۹۶ و ۱۲۱) اگرچه گاهی بدون نقد و بررسی نظر دسته اول را نیز، ذکر کرده‌اند (سیدمرتضی، ۲۰۰۴م، ۲: ۱۹۹). بعضی مفسران معتقدند با توجه به «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَامِ»، بدن، زوج نفس است. و برخی معنی ترکیب را از آن گرفته‌اند زیرا در آیات درباره گیاهان و اشیاء نیز از کلمه زوج استفاده شده است در حالی که به طریق تفکیک مفهوم زوجین و ازواج بین آن‌ها معنی ندارد (راغب، ۱۳۷۶ش، ۲۲۰).

۲-۳. مضامین مشترک سفر پیدایش با روایات تفسیری

روایاتی که تصریحاً یا تلویحاً، دیدگاه سفر پیدایش را تأیید کرده‌اند به سه گونه قابل تقسیم‌اند:

الف- روایاتی که تصریحاً بر خلقت حواء از دنده آدم تأکید دارند. این گونه روایات نه تنها مؤید بلکه مشدّد محتوای سفر پیدایش‌اند. این روایات به خلقت حواء از دنده آدم اکتفا نکرده و جزئیات دیگری مانند دنده چپ، کوچکترین دنده و دنده کج را نیز به آن افزوده‌اند.

ب- روایاتی که اسمی از دنده نیآورده‌اند اما تلویحاً، همان دیدگاه سفر پیدایش را تداعی کرده‌اند. این روایات به خلقت حواء از اضافه گل آدم تصریح دارند.

ج- روایاتی دیگر اشاره به اسم حواء و المرأة دارد که چون از حیّ والمرء آفریده شده چنین نام گرفته است (صدوق، بی تا، ۱: ۱۶). این روایات نیز تطبیق کاملی با سفر پیدایش دارد.

۳-۳. تحلیل و ارزیابی دیدگاه‌های مفسرین

با وجود آن‌که روایات در موضوع خلقت حواء از گستردگی بسیاری برخوردارند و این عقیده به نوعی، بر افکار بسیاری از مفسران و محدثان سیطره داشته است، در میان آن‌ها تعارض شدیدی حاکم است. گونه‌ای مؤید محتوای سفر پیدایش و گونه‌ای دیگر منکر آن است. بهترین راه حل، رفع تعارض است که علی‌الظاهر امکان‌پذیر نیست. بنابراین باید گونه‌ای بر گونه‌ی دیگر ترجیح داده شود. به طور کلی روایات مربوط به خلقت حواء در منابع روایی سه گونه‌اند اما نتیجه حاصل از این روایات در نهایت منجر به پدید آمدن دو دیدگاه گردیده است:

۳-۳-۱. دیدگاه اول

الف- پذیرش اولین دسته روایات که مؤید بلکه مشدد محتوای سفر پیدایشند، سبب شد دیدگاه مفسر به این سو متمایل شود که بین زن و مرد تفاوتی فاحش در مرتبت خلقت، درک، حقوق و ارزش در تمامی عرصه‌ها وجود دارد. در این دیدگاه مرد رتبه اول و زن در مرتبتی بسیار پایین‌تر از اوست.

بررسی‌ها نشان می‌دهد شواهد موثق و متعددی مخالف این دیدگاه وجود دارد:

اول- شواهد قرآنی مخالف خلقت حواء از دنده آدم دو دسته‌اند:

۱- براساس آیاتی چون: الانعام: ۹۸، الاعراف: ۱۸۹، التوبة: ۱۲۸، النحل: ۷۲ و الروم: ۲۱ که عبارت «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» در آن‌ها ذکر گردیده و مفسران الزاماً «مِنْ» را بعضی‌ه فرض نکرده‌اند، «مِنْ» در النساء: ۱ نیز چنین است. برای مثال، سیدرضی «مِنْ» در «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» (التوبة: ۱۲۸) را بیان‌کننده جنس تفسیر می‌کند (سیدرضی، ۱۹۸۶م، ۱: ۱۵۲). آیات کریمه‌ی «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» (الاعراف: ۱۸۹)، «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...» (النحل: ۷۲) و «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...» (الروم: ۲۱) آشکارا گویای این نکته‌اند که زن و شوهر از ذات و جنس واحدی هستند نه این‌که زن‌ها از بخشی از وجود همسرانشان خلق شده‌اند. علاوه بر این اگر «مِنْ» بعضی‌ه باشد، برای آدم و حواء هر دو به کار رفته است. زیرا خطاب «النَّاسِ» شامل زن و مرد است. «شما را از نفس واحدی خلق کرد» نیز، اشاره‌ای به مرد بودن ندارد زیرا در جمع زن و مرد از صیغه مذکر استفاده می‌شود. آنچه صحیح می‌نماید این‌که آیه در صدد بیان جنس آدم و حواء است و هم‌سانی این زوج در جنس و نوع خلقت را می‌رساند.

۲- آیات کریمه‌ای که در ایمان، تکلیف و ... زن و مرد را مانند هم به شمار می‌آورد:

آیاتی که بیانگر تکریم، پاداش و عذاب الهی برای بندگان بدون تفاوت در مرد یا زن بودن و بر اساس عمل آن‌ها هستند (الحجرات: ۱۳، الاحزاب: ۳۵، النور: ۲۶). آیاتی که زنان را حتی در هجرت از بلاد کفر مسئول و مستقل معرفی نموده (الممتحنة: ۱۰، الاحزاب: ۳۶) و قابل دریافت پاداش و عقاب شمرده است (الاحزاب: ۷۳). آسیه زن فرعون بهتر از او (التحریم: ۱۱)، حواء همسر آدم مانند او (الاعراف: ۲۲)، همسران نوح و لوط، کافر و خائن (التحریم: ۱۰) و مریم (س) که شایستگی نفخ روح را یافت (التحریم: ۱۲) در قرآن ذکر شده‌اند. از هزار و چهارصد و اندی پیش، اسلام زنان را در عرصه سیاست صاحب رأی شمرد. بیعت زنان با رسول الله (ص) به تصریح در الممتحنة: ۱۲ آمده است. هم‌چنین القصص: ۲۳-۲۶ گویای تأیید فعالیت اجتماعی زنان پا به پای مردان با رعایت حیا و پاکدامنی است. درایت ملکه سبا در اداره و حفظ عزت سرزمین و مردمش و برخورد عاقلانه و منطقی با نامه حضرت سلیمان (النمل: ۳۵-۴۴) حکایت قرآنی دیگری است که مخالف روایات اسرائیلی درباره زنان است. نتیجه این که روایات مورد نظر از لحاظ محتوا، مخدوش و غیر قابل اعتناء هستند و با روایاتی که در رد خلقت حواء از دنده آدم صادر شده است نیز، متعارض‌اند (در قسمت ۳-۳-۲ به آن اشاره خواهد شد).

دوم- دسته اول از این روایات در منابعی بعد از قرن ۵ نقل شده‌اند که به علت تأخر زمانی در نقل، قابل اعتنا نیستند. علاوه بر این از محدوده زمانی بررسی ما خارجند. دسته دوم، روایات تفسیر قمی و عیاشی در منابع شیعی هستند که به علت عدم اعتبار این منابع مورد اعتناء واقع نمی‌شوند. هم‌چنین اکثر روایات موجود در منابع اهل سنت نیز از جهت سند، دچار اشکال‌اند. این آشفتگی در اسناد، دلیلی بر ضعف روایات است (ر.ک؛ مجلسی‌راد، ۱۳۹۳ش، ۹: ۵-۲۹).

سوم- این مفهوم با علم قطعی نیز مخالف است:

۱- شمارش دنده‌های زن و مرد نشان از تساوی آن‌ها دارد.

۲- علم زیست‌شناسی و ژنتیک نه فقط به شکل تنوری، بلکه عملاً نشان داده است یکسانی ژن‌های هر فرد سبب می‌شود از سلول او به تنهایی، از طریق مهندسی ژنتیک و فرآیند مشابه‌سازی موجودی کاملاً مانند خودش پدید می‌آید.

ب- مفسرین دیگری بر اساس روایاتی که حکایت از خلقت حواء از اضافه گل آدم دارند، اگرچه ممکن است گاهی با شدتی کمتر، به همان نتیجه قبلی رسیده‌اند. شاید

واضعان این روایت سعی در بهبود بخشیدن محتوا و مفهوم کلام داشته‌اند، اما در واقع انتهای روایت همان تأثیر و مفهومی را دارد که روایات دسته اول دارند. بنابراین در این دیدگاه، زن همچنان مخلوق و شهروندی درجه دوم باقی می‌ماند.

نتایج حاصل از بررسی دلایل قائلین به این دیدگاه حاکی از این است:

۱- این روایت فقط در منابع شیعی یافت می‌شود و تقریباً در تمامی منابع یا به علت تأخر زمانی در نقل روایت و یا تفرد در نقل، قابل اعتناء نیست. اما آنچه مربوط به محدوده این پژوهش است روایت عیاشی است که آغازگر این نقل است و به علت عدم اعتبار منبع پذیرفته نمی‌شود (همان).

۲- این دیدگاه بر پایه مفهومی برخلاف مفهوم زوج در قرآن کریم و زبان عربی بنا شده و زوج هر چیزی مثل ومانندی برای او است و در قرآن کریم کلمه «زوجة» به کار نرفته است. «أَمَّا الرَّوْجُ فَأَهْلُ الْحِجَازِ يَضْعُونَهُ لِلْمَذْكَرِ وَالْمَوْثُثُ وَضِعاً وَاحِداً، تُقَوِّلُ الْمَرْأَةُ: هَذَا زَوْجِي، وَتَقَوِّلُ الرَّجُلُ: هَذِهِ زَوْجِي. الْمِصْبَاحُ: الرَّجُلُ: زَوْجُ الْمَرْأَةِ، وَهِيَ زَوْجُهُ أَيْضاً. هَذِهِ هِيَ اللَّغَةُ الْعَالِيَةُ، وَجَاءَ بِهَا الْقُرْآنُ: «إِسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ» (النساء: ۲۰) أَيْ امْرَأَةٌ مَكَانَ امْرَأَةٍ» (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۳: ۳۹۴، جوهری، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۲۰).

۳- طبق روایت منقول از امام صادق (ع)، آدم نمی‌توانسته با قسمتی از وجود خود ازدواج کند (در قسمت ۳-۳-۲ به روایت اشاره خواهد شد).

۳-۳-۲. دیدگاه دوم

این دیدگاه که در بازه زمانی پژوهش حاضر چندان رایج نبوده حاکی از این است که زن و مرد در خلقت، ارزش و تکلیف، مرتبتی واحد دارند و به سبب نقش‌ها، وضعیت جسمی و تکالیف متفاوت، احکام و گاهی مسؤلیت‌های متفاوتی خواهند داشت (مفید، ۱۴۱۳ق، ۳). تکیه‌گاه این دیدگاه، محتوای آیات مخالف با دیدگاه اول و روایاتی مخالف با محتوای سفر پیدایش است.

روایتی که شیخ صدوق با سند از امام صادق (ع) در جواب سوال درباره خلقت حواء از دنده آدم نقل می‌کند چنین است: خدا از این نسبت منزه و پاک است. آیا می‌توان گفت که خدا توان نداشت برای آدم، همسری بیافریند که از دنده او نباشد و راهی برای سخن ملامت‌گران باز گذارد که بگویند: انسان با بخشی از خود ازدواج می‌کند؟ ... خداوند آدم را از خاک آفرید، سپس حواء را به طور نوظهور برای او پدید آورد (صدوق، ۱۴۰۴ق، ۳: ۳۷۹).

در نتایج نادرست برگرفته از «قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (النساء: ۳۴) نیز، قول اولیه مربوط به ابن عباس است: مردان اُمراء زنانند در این که امر کنند بر آن‌ها اطاعت خدا و حفظ مال و نیکویی به خانواده را و آن‌ها بپذیرند. در طبقه بعد مجاهد، تأدیب و تعلیم را افزوده و سپس ضحاک بن مزاحم سخن از برتری مرد به واسطه نفقه و تلاشش برای اداره خانواده را به میان آورده و همین عامل را سببی برای برتری و زدن زن به وسیله مرد دانسته است (مرکز الدراسات، ۲۰۱۷م، ۶: ۳۳۳).

۱- ابن عباس ← ۲- } مجاهد + تعلیم و تأدیب
ضحاک بن مزاحم + برتری مرد به سبب نفقه و تلاشش برای خانواده

شکل ۳- نقل روایت برتری مردان به زنان

در این کتاب اثری از ردپای یهودیان نو مسلمان که به گواهِ تاریخ مکتوبِ اهل سنت از زمان خلفای ثلاثه به نشر داستان‌های تورات بین مسلمین مشغول بودند یافت نمی‌شود. برای مثال، بین مفسران یمنی دو شخصیت برجسته در این عرصه، کعب بن ماتب حمیری (۳۲ق) و وهب ابن منبه (۱۱۰ق) که علامه قصص بود، دیده می‌شوند!! عبدالرزاق صنعانی (۲۱۱ق) که بر جریان تفسیری زمانش تأثیر بسیاری گذاشت اسرائیلیات بسیاری را از وهب نقل کرد. با آغاز عصر تابعین، راویان برای توضیح آن‌چه در قرآن مبهم مانده بود، راه ورود مرویات اسرائیلی در حوزه تفسیر را گشودند (حسان، ۱۴۳۶ق، ۸۳۹ به بعد). طبری نیز در تفسیر خود از اسرائیلیات فراوان بهره برد (ربیع، ۲۰۰۱م، ۲۴۰ به بعد). از مقایسه داستان تورات و آنچه طبری از قول وهب بن منبه آورده است، نقل از عبارات تورات کاملاً واضح است (مدبر، ۱۳۹۴ش، ۲۰۸). مفسران بعدی با نقل از طبری موجبات شیوع این اخبار را در لسان و افکار مسلمین فراهم آوردند.

در نخستین منبع روایی اهل سنت «موطأ» مالک روایتی از ابهریره نقل می‌کند که طبق آن کعب الاحبار از تورات و او از رسول الله (ص) برای یکدیگر نقل می‌کردند و سپس حاصل این گفتگورا ابهریره برای اعتبارسنجی نزد عبدالله بن سلام معلوم الحال بازگو می‌کرد (مالک، ۱۴۰۶ق، ۱: ۱۰۸). صحیح بخاری (بخاری، ۴۲۲ق، ۴: ۱۷۰) و مسند احمد (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۶: ۳۷۳) از عبدالله بن عمرو بن العاص و ابهریره نقل کرده‌اند که رسول الله (ص) فرمود: «حَدِّثُوا عَنِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا حَرَجَ» و این روایت، مجوزی برای نقل تمامی خرافه‌های اسرائیلی و رهیافت آن‌ها در میان روایات اسلامی شد (ضحاک، ۱۹۹۹م، ۱: ۳۶).

۴. ماجرای آدم (ع) و حواء

تفسیر ماجرای آدم و حواء با دیدگاه مفسر درباره خلقت حواء ارتباط تنگاتنگ دارد. مفسرینی که معتقدند حواء از دنده آدم (ع) خلق شد، زنان را در رتبه‌ای پایین‌تر از مردان می‌بینند. سیدرضی هم معتقد است: «مَنْزَلَةُ الْمَرْأَةِ مُنْخَفِضَةٌ عَنِ مَنْزَلَةِ الرَّجُلِ، لِقِيَامِهِ عَلَيْهَا وَعَلَيْتِهِ عَلَى أَمْرِهَا» (۱۹۸۶م، ۱: ۳۳۸). با این دیدگاه، مفسر پذیرفت که امکان گمراهی آدم (ع) نبود اما زن با درک کمتر و جزئیت در خلقت می‌توانست هم‌نوای شیطان شود. حتی گاهی مفسر برای محق جلوه دادن آدم (ع) و مقصر قلمداد کردن حواء به خلق داستانی جدید پرداخته است: حواء به آدم (ع) شراب داد تا مست شود و از درخت ممنوعه بخورد (ثعلبی، ۲۰۰۲م، ۱: ۱۸۳). طبرانی اصل ماجرای آدم (ع) و مار و حواء را به وهب بن منبه نسبت داده است (طبرانی، ۲۰۰۸م، ۱: ۱۵۱).

بیان ماجرا در قرآن کریم چنین است: شیطان به وسوسه آدم (ع) پرداخت و گفت آیا تو را به درخت جاودانگی و ملک جاودان راهنمایی کنم؟ (طه: ۱۲۰) شیطان نزد آدم و حواء آمد و سوگند خورد که ناصح است و آن دورا با این سخن فریفت که اگر از میوه درخت ممنوعه بخورید دو ملک یا جاودانه خواهید شد (الاعراف: ۲۰ و ۲۱). شیطان هر دورا فریب داد (البقره: ۳۶). بنابراین مقصر قلمداد کردن حواء، بیانی صد در صد مخالف با نص صریح قرآن است.

۵. ارتباط احکام زنان با خلقت حواء از دنده آدم (ع)

اگرچه نقد و بررسی احکام فقهی در این مجال نمی‌گنجد، اما این پژوهش اشاره‌ای گذرا به احکام مرتبط با پژوهش حاضر خواهد داشت. مردان و زنان در بسیاری از احکام فقهی مشترکند و زنان به سبب طبیعت و جسم خاص خود احکام خاصی برای حمل، رضاعه و ... دارند (مفید، ۱۴۱۳ق، ۳). برای مثال احکام زکات در ما یملک برای زن و مرد یکی است (همان، ۳۱). با استقراء تام نگارنده در ۶۰ تفسیر مربوط به دوره مورد نظر این تحقیق، به نظر می‌رسد غالباً مفسران تحت تأثیر داستان خلقت طبق سفر پیدایش به بیان برخی از احکام فقهی پرداخته‌اند که با آیات قرآن مطابقت ندارد. این موضوع تحت سه عنوان قابل بررسی است: احکام قرآنی که معلول خلقت حواء از آدم (ع) شمرده شده‌اند، احکامی که به نظر می‌رسد مفسر بر پایه خلقت حواء از آدم (ع) صادر کرده است و احکامی که بدون ذکر داستان خلقت ناشی از دیدگاه پایین بودن مرتبت درک و ارزش زن صادر شده است.

۵-۱. احکام قرآنی که معلول خلقت حواء از آدم شمرده شده‌اند:

ابن‌العربی (۴۶۸-۵۴۳ق) در کتاب «احکام القرآن» خود دلیل برتری مرد بر زن را در ۶ مورد برمی‌شمارد. از جمله اصل قرار گرفتن مرد و خلق شدن زن از دنده کج او، نصف بودن دیه، میراث و نقصان عقل زن. مورد آخر را با ذکر این روایت همراه کرده است که «... یا رسول‌الله (ص) و ما نُقْصَانِ دِينِنَا وَعَقْلِنَا؟ قَالَ (ص): أَلَيْسَ تَمَكُّتُ إِحْدَاكُنَّ اللَّيَالِي لَا تَصُمُّ وَلَا تُصَلِّي، وَ شَهَادَةُ إِحْدَاكُنَّ عَلَى نِصْفِ شَهَادَةِ الرَّجُلِ؟» (ابن‌العربی، ۲۰۰۰م، ۱: ۳۰۰). شیخ صدوق نیز، در «علل الشرایع» روایتی نقل می‌کند که دلیل تفاوت برخی احکام بین زن و مرد را خلقت زن از مرد شمرده است (صدوق، بی‌تا، ۲: ۴۷۱).

۵-۱-۱. وجوب حجاب برای زنان

دوروایتی که به وضوح نشان از داستان سفر پیدایش دارند، حجاب و عدم آزادی زنان در جامعه را تکلیفی شمرده‌اند که علت آن خلقت زن از باطن و وجود مرد است: «... قَالَ فَمِنْ ظَاهِرِهِ أَوْ بَاطِنِهِ؟ قَالَ بَلْ مِنْ بَاطِنِهِ وَ لَوْ خُلِقَتْ مِنْ ظَاهِرِهِ لَانْكَشَفْنَ النِّسَاءُ كَمَا يَنْكَشِفُ الرَّجَالُ فَلِذَلِكَ صَارَتْ النِّسَاءُ مُسْتَبْرَاتٍ...» (همان، ۲: ۴۷۱). «خُلِقَ الرَّجُلُ مِنَ الْأَرْضِ فَجَعَلَتْ هِمَّتُهُ فِي الْأَرْضِ وَ خُلِقَتِ الْمَرْأَةُ مِنَ الرَّجُلِ فَجَعَلَتْ هِمَّتُهَا فِي الرَّجُلِ، فَاحْبِسُوا نِسَاءَكُمْ» (همان، ۲: ۴۹۸، قیسی قرطبی، ۲۰۱۱م، ۲: ۱۵۷). اما دلیل وجوب حجاب در قرآن کریم چنین ذکر شده است: یک- وجوب حجاب برای رستگاری، حفظ ایمان و پاکی قلب‌هاست (النور: ۳۱، الاحزاب: ۵۳).

دو- حجاب برای شناسایی زنان عقیف است که در جامعه مورد آزار مردان طمع‌کار که قلباً مریضند واقع نشوند (الاحزاب: ۳۲، ۵۹). اما در مورد حبس زن در روایت دوم: یک- آیات کریمه حضور زن در جامعه را با رعایت موازین شرعی تأیید می‌کند (القصص: ۲۳؛ المجادلة: ۱).

دو- وقایع تاریخ اسلام، مانند حضور پرستاران زن در غزوات نبوی (ص) مؤید فعالیت زنان در جامعه است (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۴: ۳۴).

۵-۱-۲. نصف بودن میراث زن نسبت به مرد

به تصریح قرآن کریم ارث زن و مرد در طبقات مختلف، مشخص شده است. روایات

«علل الشرایع» حاکی از این است که اگر زن از دنده راست خلق می‌شد در میزان میراث با مرد مساوی بود (صدوق، بی‌تا، ۲: ۴۷۱) و این که حوا یک جبه از گندم در بهشت خورد و آدم (ع) دو جبه، پس سهم آدم (ع) دو برابر حواء شد (همان، ۲: ۵۹۴).
یک- محتوای روایات، گزارشی از محتوای سفر پیدایش است.

دو- مورد نقض آن‌ها احکام ارث در مواردی است که ارث زن مساوی یا بیش از مرد است. با توجه به: «وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلَا بُوَيْهَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ...» (النساء: ۱۱) اولاً پدر و مادر هر یک ارثی معادل یک ششم مادرک خواهند برد که نشان دهنده تساوی ارث بین زن و مرد در این حالت است. ثانیاً یک دختر بازمانده نصف مادرک و والدین هر کدام یک ششم آن را ارث می‌برند، بنابراین ارث دختر (زن) از پدر (مرد) بیشتر خواهد بود.

۵-۱-۳. عدم تساوی زن و مرد در حکم قصاص

دلیل عدم تساوی قصاص در روایتی خلقت زن از مرد بیان می‌شود: «... قَالَ فَمِنْ كُلِّهِ خُلِقَتْ أُمٌّ مِنْ بَعْضِهِ؟ قَالَ بَلْ مِنْ بَعْضِهِ وَ لَوْ خُلِقَتْ مِنْ كُلِّهِ لَجَازَ الْقِصَاصُ فِي النِّسَاءِ كَمَا يَجُوزُ فِي الرِّجَالِ...» (صدوق، بی‌تا، ۲: ۴۷۱).

یک- روایت صدوق به وضوح هم‌سو با سفر پیدایش است.

دو- زن و مرد در قصاص اعضا و جوارح یکسانند تا جایی که از ثلث دیه تجاوز نکند (مفید، ۱۴۱۰ق، ۷۶۴؛ طوسی، النهایة، ۷۷۳). حکم عدم تساوی دیه نیز، مطلق نیست، بلکه زن و مرد در دیه جوارح مساویند تا این که به یک سوم دیه کامله برسد آن‌گاه اضافه بر آن، دیه زن، نصف دیه مرد است (مفید، ۱۴۱۳ق، ۵۳). بخاری نیز در باب «القصاص بین الرجال والنساء فی الجراحات»، حکم به قصاص را بیان کرده است (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۹: ۷).

۵-۱-۴. تفاوت کیفیت تطهیر متنجس از بول پسر بچه و دختر بچه شیرخوار

ابن ماجه قائل به تفاوت کیفیت در حکم تطهیر متنجس در موارد بالا است: «يُرْسُ مِنْ بَوْلِ الْغُلَامِ وَيَغْسَلُ مِنْ بَوْلِ الْجَارِيَةِ» زیرا بول پسر بچه از آب و گل است و دختر بچه از گوشت و خون ... (ابن ماجه، ۱۴۳۰ق، ۱: ۳۳۱). از امیر مؤمنان (ع) نقل شده است: تطهیر شیر و بول دختر بچه شیرخوار با شستن صورت می‌گیرد زیرا شیر مادرش از مثانه خارج می‌شود و در مورد پسر بچه شستن لازم نیست زیرا شیر مادرش از بازوها و کتف‌های او

خارج می‌شود (صدوق، ۱۴۱۵ق، ۱: ۱۵). شیخ طوسی نیز، بدون ذکر دلیل یا روایتی معتقد به تفاوت کیفیت تطهیر در بول پسر و دختر شیرخواره است (طوسی، ۱۳۸۷ش، ۱: ۳۹). یک- علتی که ابن ماجه ذکر می‌کند و روایت صدوق، به وضوح حکایت از افکار سفر پیدایشی داشته و با علم تجربی قطعی مغایر است.

دو- روایت منقول از امام صادق (ع) مبنی بر تطهیر بول شیرخواره، پسر یا دختر، با ریختن آب است (کلینی، ۱۳۸۸ش، ۳: ۵۶).

سه- در مواردی نیز به ذکر «رضیع» بدون اشاره به رضیعه سخن گفته‌اند (مفید، ۱۴۱۰ق، ۶۷). تفصیل و تفکیکی بین رضیع و رضیعه صورت نگرفته است.

۵-۱-۵. برابری شهادت زن با مرد

(... پرسید: زن از سمت راست مرد خلق شده است یا چپ؟ پیامبر (ص): از چپ و به این دلیل شهادت دو زن مثل شهادت یک مرد است ...) (صدوق، بی‌تا، ۲: ۴۷۱).

در مواردی مانند امور مربوط به زنان، ولادت فرزند، عذره، استهلال و اموری که مردان نمی‌توانند در زنان ببینند شهادت زنان ثابت است. لیکن در اموری مانند دیون، حقوق و اموال که همه زنان با آن درگیر نیستند و تا زمانی نه چندان دور، به علت وجود تکالیف مادی زندگی بر دوش مردان، اغلب زن‌ها از این امور بیگانه بودند، شهادت دو زن کنار یک مرد کافی است. در میراث نیز شهادت ۴ زن کافی است و اگر یک زن به تنهایی شهادت دهد در یک چهارم ارث نافذ است (کلینی، ۱۳۸۸ش، ۷: ۳۹۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ۵۳). در امور خشنی که با روحیات و عواطف زنان سازگاری ندارد مانند قتل، سرقت، شرب خمر و ... شهادت مردان لازم است و این تکلیف از زنان ساقط است (همان، ۵۴).

۵-۱-۶. اجازه طلاق به دست مرد

در روایت «علل الشرایع» دلیل حکم مذکور، خلقت زن از مرد است. اگر مرد از زن خلق شده بود اذن طلاق به دست زن بود (صدوق، بی‌تا، ۲: ۴۷۱). طلاق به دست مرد و عقد نکاح به دست زن است (مفید، ۱۴۱۳ق، ۳۶). زن آزاد است که تصمیم بگیرد کدام مرد را به عقد نکاح خود درآورد اما هنگامی که انتخاب کرد، گسستن این رشته به دست او نیست. این رابطه متقابل نمی‌تواند برتر یا پایین‌تر بودن مرتبه هیچ‌یک را بیان کند.

۵-۲. احکامی که به نظر می‌رسد مفسر بر پایه خلقت حواء از آدم صادر کرده است:

پذیرش خلقت حواء هم‌سو با داستان سفر پیدایش، بر صدور پاره‌ای از احکام از سوی مفسر اثرگذار بوده است.

۵-۲-۱. وجوب نصب قیم برای زنان در دخل و تصرف اموالشان

طبری و مفسرین دیگری روایات سفیه بودن زن و فرزند بلکه أسفه السفهاء بودن زن را در تفسیر النساء: ۵ ذکر کرده‌اند. نشر این روایات از ضحاک و ابن عباس است (ضحاک (ت ۱۰۵ق)، ۱۹۹۹م، ۱: ۲۷۴، بصری (ت ۱۱۰ق)، بی‌تا، ۱: ۲۵۷، سدی (ت ۱۲۸ق)، ۱۹۹۳م، ۱۹۶، جصاص (ت ۳۷۰ق)، ۱۴۱۵ق، ۲: ۷۶، ابن ابی‌زمینین (ت ۳۹۹ق)، ۲۰۰۳م، ۱: ۱۴۴، سمعانی (ت ۴۸۹ق)، ۲۰۱۰م، ۱: ۳۰۵).

طبری با نقل دو روایت «السَّفِيهُ مِنْ وَلَدِكَ وَ عِيَالِكَ، الْمَرَأَةُ أَسْفَهُ السُّفَهَاءِ» چنین حکم می‌دهد: هدیه دادن به زن و فرزند مانعی ندارد اما نباید مالی را در دست آن‌ها قرار داد مگر این که در مورد آن موهوب قیمی بر آن‌ها معین کرد (طبری، ۲۰۰۴م، ۲: ۶۷). با توجه به دیدگاه طبری در مورد خلقت حواء (طبری، ۱۴۲۲ق، ۶: ۳۴۱)، مجازات او برای اغوای آدم (ع) (همان، ۱: ۵۶۱)، روایات متعددی که در سفاهت زن در تفسیرش ذیل النساء: ۵ آورده [برای مثال، فرزند سفیه است و زنان اسفه السفهاء هستند پس ارباب آنان باشید (همان، ۶: ۳۹۰)] و استناد برای صدور حکم به روایات مذکور، می‌توان گفت طبری با دیدگاهی هم‌سو با داستان پیدایش به صدور این حکم مبادرت کرده است. در رد این دیدگاه به دو دلیل اشاره می‌کنیم:

یک- براساس آموزه‌های قرآنی مرد و زن در به دست آوردن مال و تصرف آن یکسانند (النساء: ۳۲)، تعلق مهریه (النساء: ۲۰، ۲۴، ۲۵)، سهم الارث (النساء: ۱۱) به زنان و اجازه دریافت وجه از همسر در ازای شیر دادن فرزند (مفید، ۱۴۱۳ق، ۴۲) حاکی از به رسمیت شمردن حق مالکیت آنان در اسلام است. علمای شیعه مانند شیخ مفید تصریح بر صحت تصرفات زن هنگام بلوغ عقل در عقد، بیع، ابتیاع، تملیک، هبه، وقف، صدقه و غیر این‌ها دارند (همان، ۳۶).

دو- نکته مغفول در تفسیر آیه این است که از نظر ادبی، حمل آیه بر زنان به طور خاص صحیح نیست زیرا فعلاء نمی‌تواند فعيلة (سفیهه) را جمع ببندد بلکه فعایل و فعيلات مثل غریبه، غریب و غریبات در این مورد به کار می‌آیند (رمانی، ۲۰۰۹م، ۷۰). «فَهُوَ سَفِيهٌ جَمَعَهُ سَفَهَاءٌ وَ سَفَاهَةٌ وَ هِيَ سَفِيهَةٌ جَمَعَهَا سَفِيهَاتٌ...» (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۹: ۴۵).

۵-۲-۲. عدم قصاص مرد در جرح همسر

در تفسیر «قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (النساء: ۳۴) مقاتل ادعا کرد مردان در ادب کردن بر زنان مسلطند و در ضرب و شتم آنان برای تأدیب آزادند (مرکزالدراسات، ۲۰۱۷م، ۶: ۳۳۳-۳۳۴). صدوق در تبیین قوامیت (النساء: ۳۴)، روایتی با این مضمون ذکر می‌کند: برتری مردان بر زنان مانند برتری آسمان به زمین است... اگر مردان نبودند زنان خلق نمی‌شدند... آدم از گل و حواء از اضافه گل آدم خلق شد و اولین کسی که از زن اطاعت کرد آدم بود که منجر به خروج او از بهشت شد... (صدوق، بی‌تا، ۲: ۵۱۲).

شیخ طوسی نیز، معتقد است به سبب فضل الهی، عقل و رأی مردان برتر از زنان و قوام بودن آن‌ها به زنان، تسلطی برای تأدیب و تدبیر بر امور آنان است. او از قول زهری روایت می‌کند: «لَيْسَ بَيْنَ الرَّجُلِ وَ امْرَأَتِهِ قِصَاصٌ فِيمَا دُونَ النَّفْسِ» (طوسی، التبیان، بی‌تا، ۳: ۱۸۹). اگرچه شیخ در کتب دیگرش در باب قصاص به چنین مطلبی اشاره نکرده است، اما نظر او در تفسیر این آیه، قائل بودن به تفاوت کیفیت تطهیر در بول پسر و دختر شیرخواره، پذیرش روایت زهری و تأثیر جو غالب از باورهای مفسران و راویان دیگر در آن عصر، ردپای نظریه برتری رتبه مرد به زن حاکی از داستان پیدایش را در ذهن تداعی می‌نماید.

یک- قانون قصاص برای ادامه حیات با حفظ امنیت جامعه (البقرة: ۱۷۸-۱۷۹) بیان شده است. زنان بدون حق قصاص از شوهران در آسیب دیدگی از ضرب و شتم، حیاتی توأم با امنیت نخواهند داشت.

دو- در آنچه از نظریه اعضاء، جوارح و دندان‌ها مساوی باشد، زن می‌تواند مرد را قصاص نماید (مفید، ۱۴۱۰ق، ۷۶۴).

سه- «ضَرْب» در آیه با روایت جصاص که با سند متصل به پیامبر اکرم (ص) می‌رسد تبیین می‌شود: «ضَرْب»، «الضَّرْبُ غَيْرُ الْمُبْرَحِ بِالسَّوَاكِ وَ نَحْوِهِ»، «ضَرْباً غَيْرُ شَائِنٍ» و «ضَرْباً غَيْرُ مُبْرَحٍ وَ غَيْرُ مُؤَثِّرٍ» (جصاص، ۱۴۱۵ق، ۲: ۲۳۷). این زدن باعث جراحت و ایجاد آثار موجب قصاص یا تعیین دیه نخواهد شد نه این که برای زن، قصاص و گرفتن دیه در این مورد ساقط است.

۵-۳. احکام ناشی از دیدگاه پایین‌تر بودن مرتبت درک و ارزش زن (بدون ذکر داستان خلقت)

شیخ مفید با ذکر آیه ۳۱ سوره النور، به کراهت تعلیم خواندن و نوشتن، شایسته نبودن

آموزش سوره یوسف و آموزش ندادن شعر به زنان حکم می‌دهد (همان، ۵۶). ناگفته پیداست که این روایت مهمترین هدف ارسال رسل که تعلیم کتاب و حکمت است (الجمعه: ۲) را نادیده انگاشته است. شبیه به این روایت که در کافی و علل الشرایع نیز آمده است در منابع اهل سنت، فارغ از نهی تعلیم سوره یوسف به زنان، دیده می‌شود. این روایات علاوه بر اشکال سندی با روایات حاکی از سنت نبوی و فضیلت تلاوت سوره یوسف (ع)، ناسازگارند. جنبه هدایتگری عمومی قرآن کریم که خود از احسن القصص هم نام برده است در این روایات نادیده گرفته شده است (شمشیری، ۱۳۹۲ ش، ۷۰: ۵۳-۷۸).

۶. تأثیر پذیرش داستان آدم (ع) و حواء بر صدور احکام

پذیرش داستان آدم و حواء بر صدور پاره‌ای از احکام اثر گذاشت. برای مثال ابن‌العربی در تفسیر و اخراج حکم فقهی از البقرة: ۳۵ داستان تورات را در خوردن از درخت ممنوعه نقل می‌کند و سپس می‌گوید که چون نهی به جمع بوده است اما حواء ابتدا به تنهایی و سپس آدم به اغوای او به تنهایی از آن خوردند عقوبت نشدند و با همین دیدگاه فتوا داده است که مثلاً اگر کسی به دو همسر (کنیز یا زوجة) بگوید اگر از در وارد شوید طلاق یا عتق واقع می‌شود و سپس هریک از آن‌ها به تنهایی وارد شوند حکم مورد نظر او اجرا نمی‌شود زیرا حکم مربوط به جمع است نه فرد (ابن‌العربی، ۲۰۰۰ م، ۱: ۴۱).

۷. نتیجه‌گیری

۱- روایات اسرائیلی که به منابع روایی فریقین راه یافته در عرصه‌های فرهنگی، فقهی و همچنین افکار، عقاید و باورهای برخی از عالمان دینی نفوذ یافته است. بررسی تطبیقی سفر پیدایش و روایات هم‌داستان با آن که مخالف محتوای دیگر آیات کریمه است نشان از کاستی‌های فعالیت محدثان و مفسران در زمینه تنقیح روایات صحیح از سقیم دارد. اعتماد بر این روایات سبب شد تا بعضی از مفسران آراء تفسیری خود را متأثر از آن‌ها بیان کنند.

۲- تأثیر ماجرای خلقت حواء از دنده آدم و داستان هبوط آدم و حواء از بهشت طبق نقل تورات در تفاسیر مشهود است. حاصل این پدیده، صدور آراء فقهی خلاف آموزه‌های قرآن کریم در حوزه احکام و حقوق زنان گردیده است. أسفه السفهاء بودن زن که منجر به صدور حکم گرفتن قیم برای تصرف در مال را به دنبال آورد، همچنین قائل

شدن حق ضرب و جرح زن برای شوهرش، بدون درپی داشتن قصاص مگر در نفس و ... از این قبیل احکامند.

۳- آیاتی مانند الاحزاب: ۳۵ که صفات شایسته را برمی‌شمارد، از زن و مرد در کنار هم نام می‌برد. آیات قبل از آن نیز تکالیفی را برای همسران پیامبر (ص) برمی‌شمارد که شامل حال دیگران نمی‌شود. همچنین مکلفین در آیاتی مانند البقرة: ۱۱۰ که به صیغه جمع مذکر نازل گردیده است برپایه سنت قطعی و اجماع فقهاء، زنان و مردان را شامل می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم برای زن و مرد تکالیفی معین فرمود که هریک از آنان مستقلاً در برابر آن مکلف و مسئولند. در عرصه سیاست و تعیین خط مشی اداره اجتماع نیز، اسلام بیش از ۱۴۰۰ سال پیش به زنان حق رأی داد. واضح است که بر سفیه، تکلیفی بار نمی‌شود و چون قوه تشخیص خوب و بد را ندارد ثواب، عقاب و تنبیه در مقابل اعمالش بی‌معنا است. همچنین استثنائی در قصاص بین زن و شوهر با مردان و زنان دیگر وجود ندارد.

۴- با بطلان نظریه خلقت زن براساس ظاهر داستان تورات، علت تفاوت برخی از احکام مردان و زنان را باید در عواملی مانند تفاوت مسئولیت‌ها، خصلت‌های روحی فطری و فیزیولوژی خلقت زن و مرد جستجو کرد.

۵- معتقد بودن به برتری مرد بر زن، جزئیت زن در خلقت و ... ناشی از اعتماد و تکیه بر روایاتی است که ریشه در اسرائیلیات همسو با ظاهر سفر پیدایش دارد. بر مفسران، محققان و فقیهان لازم است در اصلاح آنچه ثمره این خطا در عرصه‌های مختلف بوده است، بکوشند.

منابع

قرآن کریم.

أصم، ابوبکر بن کیسان، تفسیر ابي بکر الأصبم (بلیه تفسیر ابي مسلم محمد بن بحر الأصفهانی)، تحقیق: نهها، خضر محمد، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۷م.

ابن ابی زینب، محمد بن عبدالله، تفسیر ابن ابی زینب، تحقیق: احمد فرید المزیدی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۳م.

ابن حجاج، محمد بن عباس، تفسیر ابن حجاج، تحقیق: اقبال وافی نجم، بغداد، دارالقرآن الکریم، ۲۰۱۶م.

ابن حنبل، احمد، مسند الإمام احمد، محقق: احمد محمد شاکر، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۶ق.

ابن العربی، ابی بکر محمد، احکام القرآن، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت، دارالکتب العربی، ۲۰۰۰م.

ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، محقق: شعيب الارنؤوط و دیگران، بی‌جا، دارالرسالة العالمیة، ۱۴۳۰ق.

- ابن منذر النيسابوري، محمد بن ابراهيم، كتاب تفسير القرآن، تحقيق: محمد السعد، مدينه، دارالمائر، ٢٠٠٢م.
- ابن وهب، عبدالله، تفسير ابن وهب (الواضح فى تفسير القرآن الكريم)، محقق: احمد فريد، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٤ق.
- ابورية، محمود، اضواء على السنة المحمدية، قم، انصاريان، الطبعة الثالثة، ١٤٢٥ق.
- ابوشهية، محمد، الاسرائيليات والموضوعات فى كتب التفسير، بيروت، دارالجيل، ١٩٩٢م.
- بخارى، محمد، صحيح بخارى، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، دمشق، دار طوق النجاة، ١٤٢٢ق.
- بصرى، حسن، تفسير الحسن البصرى، قاهره، دارالحديث، بى تا.
- ثعلبي، احمد، الكشف والبيان، تحقيق" ابن عاشور، ابى محمد، بيروت، داراحياء التراث العربى، ٢٠٠٢م.
- جرجانى، عبدالقاهر، درج الدرر فى تفسير القرآن العظيم، عمان، دارالفكر، ٢٠٠٩م.
- جصاص، احمد بن على، احكام القرآن، محقق: محمد على شاهين، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
- جوهرى، ابونصر، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقيق: احمد عبدالغفور، بيروت، دارالعلم للملايين، الطبعة الرابعة، ١٤٠٧ق.
- حسان، على بن حسان بن على، التفسير فى اليمن عرض ودراسة، رياض، جامعة ملك سعود، ١٤٣٦ق.
- حمودى العانى، حيدر شكرى، نظرات على الاسرائيليات فى التفسير، بغداد، دارالكتب والوثائق العراقية، ١٤٣٦ق.
- حبيب، سليمان، فرهنگ عبرى-فارسي، فلسطين، فرهنگ، ١٣٤٤ش.
- ذهبي، محمد حسين، الاسرائيليات فى التفسير والحديث، قاهره، مكتبة وهبة، الطبعة الرابعة، ١٩٩٠م.
- راغب اصفهائى، حسين بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقيق: نديم مرعشلى، تهران، مرتضوى، چاپ دوم، ١٣٧٦ش.
- ربيع، آمال محمد، الاسرائيليات فى تفسير الطبرى دراسة فى اللغة العبرية، قاهره، وزارة الاوقاف، ٢٠٠١م.
- رمانى، أبى الحسن، تفسير أبى الحسن الرمانى (الجامع لعلم القرآن)، تحقيق: خضر محمد نهما، بيروت، دارالكتب العلمية، ٢٠٠٩م.
- زبيدى، محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، دارالفكر، ١٤١٤ق.
- سدى الكبير، ابى محمد اسماعيل، تفسير السدى الكبير، تحقيق: محمد عطا يوسف، بى جا، دارالوفاء، ١٩٩٣م.
- سمعانى، منصور، تفسير السمعانى، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، ٢٠١٠م.
- سيدرضى، محمد بن حسين، تلخيص البيان فى مجازات القرآن، بى جا، دارالاضواء، ١٩٨٦م، Lib. eshia.ir/86705/1/338
- سيد مرتضى، على بن حسين، أمالى المرتضى، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، المكتبة العصرية، ٢٠٠٤م.
- شمشيرى، رحيمه، طباطبايى، سيدكازم، «پژوهشى درباره احاديث نهى كننده از تعليم سوره يوسف به زنان»، علوم حديث، زمستان ١٣٩٢، شماره ٧٠، صص ٥٣-٧٨.
- صدوق، محمد بن على، علل الشرايع، نجف، مكتبة الحيدرية، بى تا، lib.eshia.ir/10107
- _____، المقنع، بى جا، مؤسسه الامام هادى (ع)، ١٤١٥ق.
- _____، من لا يحضره الفقيه، محقق: على اكبر غفارى، قم، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية، الطبعة الثانية، ١٤٠٤ق.
- ضحاک بن مزاحم، تفسير الضحاک، تحقيق: محمد شكرى احمد الزاويتى، قاهره، دارالسلام، ١٩٩٩م.
- طبرانى، ابوالقاسم سليمان، التفسير الكبير للامام طبرانى، تحقيق: هشام البدرانى، اردن، دارالكتب الثقافى، ٢٠٠٨م.

- طبری (ت ۵۰۴ق)، عمادالدین علی بن محمد (الکَیَاهَرآسی)، احکام القرآن، تحقیق: موسی محمدعلی، بیروت، دارالجیل، ۲۰۰۴م.
- طبری (ت ۳۱۰ق)، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق: عبدالله ترکی، بی جا، دار هجر، ۱۴۲۲ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب قصیرالعاملی، بیروت، داراحیاء التراث عربی، بی تا.
- _____، النهاية فی مجردالْفقه والفتوی، تهران، دلیلنا، بی تا.
- _____، المسوط فی الفقه الامامیة، تهران، المكتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجغفریة، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة الاسلامیة، بی تا.
- فیروزآبادی، محمد، تنویر المقباس فی تفسیر ابن عباس، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۲۰۰۲م.
- قاضی عبدالجبار، ابی الحسن، التفسیر الکبیر، تحقیق: خضر محمد نبها، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۹م.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، بیروت، موسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۸ق.
- قیسی قرطبی، المکی ابن ابی طالب، الهدایة الی بلوغ النهایة فی علم معانی القرآن وتفسیر واحکامه وجمال من فنون علوم، تحقیق: محمد عثمان، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۲۰۱۱م.
- کتاب مقدس (ترجمه قدیم)، انتشارات ایلام، چاپ سوم، ۲۰۰۲م.
- کلینی، محمد، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش.
- مالک بن انس، مؤظاً الامام مالک، تحقیق: فؤاد عبدالباقی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق
- ماوردی بصری، علی بن محمد، النکت والعیون (تفسیر الماوردی)، بیروت، کتب الثقافیة، الطبعة الثانیة، ۲۰۰۷م.
- مجاهد بن جبر، تفسیر الامام مجاهد بن جبر (۱۰۲ق)، مدینه، دارالفکر، ۱۹۸۹م.
- مجلسی راد، زینب، راد، علی، مقاله اعتبارسنجی مصادر و اسناد روایات اسلامی آفرینش حوا علیها السلام، حدیث حوزه، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۹، صص ۵-۲۹.
- مدبر چهار برجی، سیف الله، اسرائیلیات تخریبها و تحریفهای یهود، قم، جامعه المصطفی (ص)، چاپ دوم، ۱۳۹۴ش.
- مرکز الدراسات والمعلومات القرآنیة، موسوعة التفسیر الماثورة، بیروت، دار ابن حزم، ۲۰۱۷م.
- مسلم، ابوالحسن قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، محقق: محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- مشکور، محمدجواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷ش.
- مفید، محمد بن نعمان، احکام النساء، تحقیق: مهدی نجف، قم، المؤتمر العالمی لألفية الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- _____، المقنعة، قم، نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- مقاتل بن سلیمان، ابی الحسن، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق: احمد فرید، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- مهدوی راد، محمدعلی، تدوین الحدیث عند الشیعة الامامیة، تهران، هستی نما، ۱۴۳۱ق.
- نعناعه، رمزی، اسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر، دمشق، دارالعلم، ۱۳۹۰ق.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد، الوسیط فی تفسیر قرآن مجید، تحقیق: عادل احمد عبدالوجود،

بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۵ ق.

بيسحاقى، شلوما (سليمان)، «the Complete Jewish Bible with Rashi Commentary»، // <https://>

.www.chabad.org، ۹۷/۱۰/۲.